



عنوان مقاله

معناشناسی بلوغ در سوره حضرت ابراهیم (ع)

نویسندگان

سمیرا الیادات مسلم بیات . کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی

مقدمه

در فرایند رشد و بالندگی آدمی بلوغ و بالغ شدن را گذرگاهی می دانند که فرد از مرحله کودکی به مرحله بزرگسالی وارد می شود و بالغ می گردد و می تواند چیزهایی را درک کند و یا داشته باشد که قبل از آن نمی توانسته است.

در واقع بلوغ سن تغییر و تحول و بالا رفتن از نردبان رشد می باشد.

بلوغ از ریشه بلغ می باشد و در قرآن با مشتقات بلاغ و مبلغ و بالغ و بلیغ و فعل بلغ آمده است.

در قرآن هرچا واژه ای با ریشه بلغ به کار رفته است معنای گذر از مرحله ای به مرحله ای متفاوت و در سطحی بالاتر را رسانده است، حال چه در رابطه با دوره های سنی از جنینی تا پیری باشد که برای ۳ دوره پایان جنینی و پایان طفولیت و آغاز سن جوانی و دارای حق عقلی و قانونی شدن ودوره پیری بکار رفته است و چه در رابطه با رسیدن اجل دوره عده و نکاح و یا در رابطه با پایان رسیدن دوره جاهلیت با تبلیغ دین و رسیدن کتاب و رسالت بدست مردم و یا در رابطه با رسیدن دوره هایی از طلوع و غروب شمس و یا پایان یافتن مراحل اعمال حج باشد...

به هر حال ریشه کلمه بلغ در قرآن بصورت مثبت به معنای عبور از دوره ای به دوره ی دیگر و یا مرحله ای به مرحله ی دیگر بکار رفته است.

حال باید دید واژه ی بلوغ که موضوع اصلی تحقیق می باشد چه معنا و جایگاهی دارد.

واژه بلوغ در قرآن عینا نیامده است بلکه ریشه آن همانطور که بحث شد مطرح شده است. در سوره ابراهیم در آیه ۵۲ ، واژه بلاغ بکار رفته است.

بلاغ به معنای مسیر رسیدن به بلوغ بکار رفته است. پس باید معنا و لوازم و مقدمات و آثار بلاغ را بفهمیم تا معنی بلوغ روشن شود.

تحقیق ما در سوره ابراهیم می باشد لذا از ورود به آیات و سوره های دیگر اجتناب می کنیم و تنها آیات این سوره را بررسی می کنیم.

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيَلْعَلُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۵۲) ابراهیم

"هذا" همانطور که در تفاسیر مختلف دیده می شود یا به معنای قرآن گرفته شده است و یا به معنای آیات عذاب و انذار های آیات قبلی سوره، که البته در هر دو مورد هم می توان چنین برداشت کرد که قرآن و آیاتش بلاغ هستند.

می توان گفت قرآن مسیری است که مردمی را که در معرض آن قرار میگیرند از مبدائی به مقصدی مشخص می رساند.طبق آیه ۵۲ سوره ابراهیم سه اصل اساسی برای بلاغ و رسیدن به بلوغ مطرح شده است:

انذار که به معنای شوک برای حرکت و رشد در مسیر بلاغ می باشد

تعلیم که به معنای شناخت وحدانیت خدا و استفاده از نعمتها برای ادامه مسیر و رسیدن به مقصد بلاغ می باشد.

تذکیر که به معنای رسیدن به مقصد تعیین شده و غایت بلاغ یعنی صاحب لب شدن و ثمر دادن است.

روش

در این مقاله به روش تدبرآیه به آیه و استخراج گزاره های هر آیه با توجه به گزاره های تفسیری و عقلی، با توجه به آیات اولی و پایانی سوره ابراهیم علیه السلام مفهوم بلوغ استخراج شده و اصول و شرایط رسیدن به بلوغ از آیات دیگر سوره استخراج گردیده است.

یافته ها و نتایج

توجه به آیه اول و آیه ۵۲ سوره ابراهیم ، قرآن و کتاب الهی، از طرفی مسیری است برای خارج کردن افراد از ظلمت به نور و از طرفی مسیری است برای به بلوغ رساندن افراد. پس به بلوغ رسیدن یعنی خروج از ظلمت و رسیدن به نور.

برای تکمیل تعریف بلوغ چند نکته ضروری است:

بلوغ گذر از مرحله ای به مرحله ی دیگر است.

مبدا و مقصد در بلوغ مشخص است و این فرایند به صورت پلکانی و پیوسته می باشد. هر مرحله از مسیر بلوغ نسبت به مرحله بالاتر ظلمت و نسبت به مرحله قبل وپایین تر نور به حساب می آید.

فرد برای بالغ شدن نیاز به کتاب و احکام و اصولی دارید که توسط یک مربی به او رسانده شود.

انذار مثل جرعه است که فرد را در مسیر خروج از ظلمت قرار می دهد

علم خود شباهت زیادی به نور دارد و به میزانی که فرد تعلیم ببیند راه را بهتر می بیند و بیشتر به مقصد نزدیک می شود و از ظلمت به نور خارج می شود.

تذکر مثل نقشه ای است که فرد با داشتن ان گم نمی شود و مقصد را گم نخواهد کرد چنین فردی را عاقل و صاحب لب می دانیم.

تعریف بلوغ:

خروج از ظلمت به نور و صاحب لب و عقل شدن را بلوغ می گویند.

طبق دعای حضرت ابراهیم ۴ گام اصلی برای تعلیم و رساندن افراد به بلوغ را می توان تعریف کرد:

۱. امن سازی بستر تربیتی با ایجاد امنیت و سکون در فضای تربیتی برای رشد فرد به وسیله ۱. ایجاد مقام صدق وعد و قول ثابت به وسیله مربی ۲. ایجاد توکل در فرد به معنی حرکت بدون ترس با اطمینان از حمایت و پشتیبانی مربی

۲. ایجاد اعتماد و تبعیت پذیری و ولایت مداری در فرد برای حرکت در مسیر رشد و بلوغ به وسیله ۱. معرفی الگو و امامی که به زبان و توان فرد با او رفتار می کند. ۲. ایجاد عاقبت سنجی و عبرت و پند گیری در فرد ۳. ایجاد توان تبعیت از حق و و نه گفتن به استکبار و باطل

۳. شرک زدایی به معنای پاک سازی فضای تربیتی از هرگونه ناپاکی و باطل و غیر خدا به وسیله ۱. ایجاد طبع طیب و پاک سازی ترجیحات و ذائقه ها و سلیقه ها و حب های فرد ۲. ایجاد صفت شجاعت در فرد با ایجاد تقوا که تنها خدا را موثر در عالم بدانند و در نتیجه از هیچ استکبار و ست اشتباهی پیروی نکنند (توان نه گفتن به باطل) ۳. بدبهی سازی و ساده سازی حقایق با نزدیک شدن و جلوگیری از دور شدن فرد از فطرت پاک الهی به وسیله فعال نمودن مشاهده و تعقل در فرد

۴. شاکر شدن فرد به معنای توان استفاده از نعمت ها و قدردان نعمت ها بودن با اقدام به ۱. ساده سازی رابطه عمل و نتیجه با هدف مسئولیت پذیر نمودن فرد و هدف دار و برنامه ریزی برای او با نشان دادن دستاورد اعمال و تعیین پاداش و تنبیه های متناسب ۲. مقایسه و مشاهده تفاوت داشتن ها و نداشتن ها ۳.فهماندن اهمیت اجل و فرصت های محدود در بهره بردن از نعمت ها و توان ها ۴. توجه به دو عمل نماز(ادب شکرگزاری) و انفاق(توجه به دیگران و خروج از خودخواهی و خودنگری) ۵. ایجاد صفت صبر و برنامه ریزی برای دیدن نتایج عمل ۶. از بین بردن صفت کفر (پوشاندن حق) و ظلم (ضایع کردن نعمت های خود و دیگران) در فرد با در نظر گرفتن این مراحل فرد در مسیر ایجاد بلوغ (تربیت برای رساندن فرد به بلوغ) ، فرد می تواند خود را به مقصد اصلی بالغ شدن یعنی خروج از ظلمت ها و رسیدن به هدایت و نور و انسان کامل شدن برساند.

بحث و نتیجه گیری

فردی که بلوغ رسیده است در واقع از یکسری صفات مبری شده و به یکسری صفات کمالی دست یافته است . پس به میزانی که صفات کمالی را کسب کرده باشد و از صفات مقابل دور شود در واقع به بلوغ رسیده است. مقصد اصلی مسیر بلوغ رسیدن به عقل می باشد . وقتی می گوییم فرد به عقل رسیده است یعنی ظلمت ها برایش به روشنائی و نوری تبدیل شده است که می تواند حقایق را درک کند و از شک به یقین رسیده است و یعنی هدایت یافته و می تواند حکم هر موقعیت را در یابد باید و نبایدها را دریافت کند و راه درست را تشخیص می دهد و در ضلالت باقی نمی ماند و یعنی به دلیل اینکه آخرت را می بیند دارای مدیریت و برنامه ریزی می باشد و اجل را درک کرده است و با صبر و تلاش اهداف خود را ترسیم کرده و بسوی اهداف خود حرکت می کند. و یعنی از آنجا که شکرگزار شده است هر نعمتی را فرصتی می داند که باید بهترین بهره را از آن ببرد و قدردان نعمت ها می باشد ودر برابر کسی که این نعمت را به او فراهم کرده است ادب نشان می دهد. این فرد نه تنها ظلم نمی کند و مستکبر نیست که ضعف را هم در خود راه نمی دهد و با ثبات قدم و قول به سمت کمال حرکت می کند.

در کل فردی که به عقل برسد دارای هویت سالم و مسیر مشخص برای زندگی خود می باشد و برای به ثمر نشستن زندگی خود تلاش می کند و در نهایت ثمر و میوه ای دارد که قابل بهره بردن هم برای خودش و هم برای اطرافیان می باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
- ۲.علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۲
۳. تفسیر آسان، جلد ۹
۴. الدر المنثور، جلد ۴
۵. کشف، جلد ۲
۶. روح البیان ، جلد ۴
۷. مجمع البیان، جلد ۱۳

